

بسم الله الرحمن الرحيم
السلام عليك يا فاطمه الزهرا

متن شرکت در
مسابقه فاطمیه



MY PANA AH

گروه فرهنگی، مذهبی پناه من

<http://www.mypanaah.ir>

اینستاگرام

<https://www.instagram.com/panaah.media/>

فرارسیدن ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تسلیت باد

مادر هجده ساله ما حدود چهارده قرن پیش در چنین ایامی به شهادت رسید[1]، و هنوز پس از سپری شدن زمانی طولانی داغ شهادت آن بانو، دل‌های ما در آتش ظلمی که بر خاندان پیامبر روا داشته شد، می‌سوزد.

زادروز این بانوی نور، که از میوه‌های بهشتی بود، در سال پنجم بعثت پیامبر رخ داد[2] و زندگانی‌اش پر از فراز و نشیب و اتفاقات مهم بود.

وصف کامل چنین بانویی از عهده آدمی خارج است و شایسته است برای شناخت او از کلام خالقش بهره جست. بانویی که قرآن کریم او را خیر کثیر معرفی می‌کند[3] و تداوم خاندان رسالت را از دامان او دانسته است.

بانویی که پیامبر، او را تکه‌ای از جان خود خوانده[4] و فرموده است :

هرکس او را آزار دهد مرا آزرده است و هرکس مرا آزار دهد پروردگار را آزرده است[5].

و در کلام دیگر از قول پروردگار خویش فرموده است که

رضایت پروردگار در رضایت این بانو و غضب پروردگار در غضب او است[6].

بانویی با این عظمت که فرزندش حماسه ساز دشت کربلا شد و فرزندانش پیشوایان و امامان الهی شدند[7].

بانویی که تمام لحظات عمر کوتاهش پر از خیر، نیکی و برکت برای مردمان بود و جز خیر از او دیده نشد. تا حدی که دشمنانش نیز زبان به ستایش او گشودند و او را راستگوترین فرد بعد از پیامبر اکرم (ص) [8]، **شبهه‌ترین فرد به پدرش[9]، پاکترین[10]، زاهدترین[11]، با فضیلت‌ترین[12]، و گرامی‌ترین از جهت پدر و مادر[13]** خوانده‌اند.

بانویی که دلیل خلقت است و خالق متعال در شان او چنین می‌فرماید: اگر او نبود خلایق را نمی‌آفریدم[7].

چنین بانویی در روزهای واپسین عمر خویش، و پس از شهادت پدرش، به رغم تمام سفارشهای پدر که توصیه به حفظ احترام و منزلت او کرده بود و مودت و محبت اهل بیت علیهم السلام را هم تراز اجر و مزد رسالت دانسته بود[15]، مورد اهانت و آزار عده‌ای از منافقین امت همان پیامبر قرار گرفت[16] و درب خانه‌اش سوزانده شد[17] و فرزند زاده نشده‌اش شهید شد[18] و پهلوی‌اش شکست[19] و بر اثر همین جراحات، حدود سه ماه بعد به شهادت رسید[20].

اما این تمام ماجرا نبود؛ شهادت مظلومانه او چراغ هدایتی برای تمام اهل دنیا بوده و هست، چراغی که با گذشت بیش از چهارده قرن، هنوز روشنگری می‌کند و مسیر هدایت را برای هر طالب حقی روشن می‌نماید.

سوالی که ذهن پرسشگر انسان های اهل دقت را به چالش می‌کشد، این است که شخصیتی با این عظمت و جایگاه، چرا جان خویش را فدای امیرالمؤمنین علیه السلام کرد؟ رخدادهای قبل و بعد شهادت پیامبر به روشنی نمایانگر پاسخ این پرسش خواهد بود.

در روزهای پایانی عمر پیامبر اکرم (ص)، پیغمبر به دستور الهی در برابر جمعیتی متجاوز از صد هزار نفر از مهاجرین، انصار و ساکنین سایر شهرهای مسلمان، **حضرت علی علیه السلام** را که فاتح خیبر و خندق بود، به عنوان جانشین خود معرفی کرد و بعد از خطبه ای حدودا سه ساعته، تمام حاضرین را به بیعت با او که امیرالمؤمنین نامیده شده بود، فراخواند. او به همه حاضران فرمود که

پیام مرا حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند[21].

حدود هفتاد روز بعد از این واقعه، زمانی که پیامبر در بستر بیماری فرمود:

قلم و دوات بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم که هرگز بعد از من گمراه نشوید،

با مخالفت و حتی اهانت چندی از حاضرین مواجه شد و این موضوع، موجب ناراحتی پیامبر گردید و آن نابکاران را به هدف پلید خویش نزدیک تر ساخت[22].

بلی، هرچند که پیامبر اکرم (ص) در جایگاه های متعددی جانشین خویش را معین کرده بود[23]، اما این بار میخواست در روزهای واپسین عمر خود، این مطلب را یادآوری و حتی مکتوب گرداند. و صد افسوس که آنچه که نباید می‌شد، شد.

بعد از اینکه پیامبر اکرم از سرای فانی به دیار باقی شتافت. هنوز غسل، کفن و خاکسپاری رسول (ص) انجام نشده بود که همان مخالفان آوردن قلم و دوات، با برپایی مجلسی سری به اسم سقیفه رهبری خودخوانده، برگزیدند و مراسم تشییع پیامبر را وا گذاشتند[24] و از همان روز به بیعت گرفتن اجباری از مردم پرداختند[25]، اقداماتی برای سرکوب مخالفین خود آغاز کردند و اینگونه بود که حق را از مسیر خود منحرف کردند.

در روز شهادت پیامبر، بعد از برگزاری سقیفه و پیمان سری و پس از آغاز به بیعت گرفتن از دیگران، شروع به ایجاد جو خفقان برای سرکوب مخالفین کردند. هر چه از دستشان برمی آمد فروگذار نکردند، از تطمیع و تهدید مخالفین تا سرکوب ایشان با شمشیر و زور. حتی کار به جایی رسید که منافقین قصد تطمیع عباس عموی پیامبر و امیرالمؤمنین را نیز داشتند[26].

بالاخره تشییع و تدفین پیامبر بدون حضور منافقین و حتی برخی همسران پیامبر انجام شد؛ در حالی که آنان در حال بیعت گرفتن برای خلیفه منصوب خودشان بودند[27].

در این بین، کسی که با امیرالمؤمنین بیعت کرده و بر بیعت خود تا دم مرگ استوار بود، حضرت صدیقه طاهره علیها سلام بود. او زمانی که امام خویش را در میان بیعت شکنان نامرد تنها یافت، خود را نه فدای شوهر و یا پسرعمویش، که فدای امام خویش کرد. او بود که در تمام لحظات تا پای جان همراه امیرالمؤمنین بود.

در روزهای ابتدایی بعد از این حوادث، امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهما السلام و تعداد اندکی از یاران راستین ایشان از جمله سلمان، ابوذر و مقداد در منزل ام ابیها تحصن کردند[28] و امیرالمؤمنین به دستور پیامبر مشغول جمع آوری قرآن به ترتیب نزول با ذکر محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ شد[29]. اما دستگاه خلافت که به دنبال موجه جلوه دادن کارهای خویش بود تحصن کنندگان را به بیعت با خلیفه غاصب دعوت می کرد، ایشان امتناع می کردند تا اینکه در روز جمعه، در نماز جمعه خلیفه غاصب شرکت نکردند[30].

از اینجا درخواست بیعت تبدیل به اهانت و تهدید بیت وحی گردید. در ابتدا اموال خاندان نبوت غصب شد و احادیث ساختگی با مضمون اینکه پیامبران ارث بر جای نمی گذارند بیان شد[31] و اموال امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهما السلام مصادره گردید -در حالی که این حدیث جعلی را در مورد همسران پیامبر به کار نبردند-. در اینجا بود که صدیقه طاهره در دفاع از امام زمانه خود وارد میدان شد و با خطبه های خویش دستگاه خلافت را رسوا کرد و با استدلال های قرآنی خویش پاسخ منافقین را به گونه ای داد که هیچ کدام سخنی برای بازگو کردن نداشتند[32].

دستگاه خلافت، با وجود رسوایی، از اقدامات ناجوانمردانه خود دست برنداشت و در مرحله بعد اقدام به غصب فدک کرد[33]. فدکی که یادگار پیامبر بود و نه ارث، و به گواه تاریخ، پیامبر در سالهای حیاتش، آن را به دستور الهی به تنها دختر خویش هدیه داده بود[34].

این بار نیز مادر داغدار و دل شکسته، وارد عمل شد و با خطبه های آتشین خود موسوم به خطبه فدک تمام آبروی دستگاه خلافت را سوزاند[35].

از آنجایی که دستگاه کودتاگر، شرم و حیایی نداشت از حضرت صدیقه طاهره که قرآن صداقت و پاکی و طهارت ایشان از هرگونه آلودگی را تایید می کند[36]، درخواست شاهد کرد[37]. بانویی که بهانه خلقت است و آب های جاری زمین مهریه اوست[38]، باید برای اثبات مالکیت بر فدکی که سالها در اختیارش بوده است[39]، برای غاصبین خلافت و فدک شاهد می آورد؛ آن هم برای کسانی که هفتاد روز نشده بود که در غدیر مخاطب سخنان پیامبر بودند. مسلمانان که عموماً تازه اسلام آورده بودند از بیم جانشان با خلیفه غاصب بیعت کرده بودند یا تن به سکوتی خفت بار دادند.

به هر نحو بود، حضرت صدیقه طاهره مردانه خطبه خواند و به هر روی، سند فدک را گرفت[40]. اما در کوچه تنگ بنی هاشم رویدادی به وقوع پیوست که توان بازگویی آن برای دوست داران آن بانوی پاک نیست، رخدادی که موجب شد سند پاره پاره گردد و گوشواره از گوش کنده شود[41].

بعد این اتفاق، مادر با صورت نیلی، همچنان در دفاع از امامش از پای ننشست و خط مقدم دفاع حاضر بود. منزلش مأمن تحصن کنندگان بود و خودش همراه امام مظلوم خویش، هر شب به در خانه مهاجرین و انصار می‌رفت و بیعت غدیر را یادآوری می‌کرد[42] اما دریغ از گوش شنوایی که سخنان تنها یادگار پیامبر را گوش کند؛ هرکدام عذری می‌آورد و کسی یاریگر امامی که دو ماه پیش با او بیعت کرده بود، نشد.

در روزهای پسین کار بالا گرفت و چندین نوبت منزل یگانه دخت نبی مورد تهدید قرار گرفت اما نخستین شهیده ولایت، دست از دامن امام خویش نشست.

زمانی که پشت درب منزل ایشان هیزم آوردند تا خانه را با اهل آن بسوزانند، به کسی که دستور این کار را داده بود گفته شد:

"تنها دختر رسول خدا، داخل منزل است"

و او با بی شرمی پاسخ داد:

"حتی اگر او هم داخل خانه باشد، خانه را با اهلش آتش خواهم زد[43]."

مادر مظلوم ما که داغدار پدر عزیزش بود به گمان اینکه حرمت او را حتی بخاطر پدرش هم که شده باشد، نگه می‌دارند، پشت در آمد تا حامی امام مظلوم خود باشد اما ناگاه درب سوخته در میان شعله های آتش با لگدی باز و بانویی باردار بعد از مجروح شدن بر زمین افتاد و از هوش رفت[44].

لشکری وارد منزل امیرالمؤمنین علیه السلام شد و دستان او را بستند و کشان کشان برای ستاندن بیعت اجباری، به سوی مسجد بردند[45]. در این حال بود که بانوی مجروح به هوش آمد، سراغ امیرالمؤمنین را گرفت. فضا گفت که او را به مسجد بردند و بانو نیز با حال نزارش بدنبال امامش رفت و این بار ریسمانی را که به دستان آن شیر خندق و خیبر بسته شده بود گرفت، اما، تازیانه و ضربه غلاف شمشیر، دست بانو را از ریسمان گسست و این گونه شد که فاتح خیبر را به مسجد بردند[46].

در مسجد، با آن همه آزاری که از قوم کین دیده بود، برای حق غصب شده امام خود، دست بر سر برد که نفرینشان کند، اینجا بود که باز هم از امام خود تبعیت کرد و چشم از نفرین پوشید[47].

بعد از این ماجراها شب و روز در منزل و یا در خارج از مدینه در سایه نخلی، در ظلمی که به تنها امیرالمؤمنین تاریخ شده بود می‌گریست. آن نخل هم از شعله کین دشمنان در امان نماند[48].

او با تحمل تمام این سختی ها و گرفتاری ها، درس امام شناسی و دفاع از امامت را برای همه تاریخ به یادگار گذاشت و سرانجام نزدیک سه ماه بعد شهادت پدرش، به پدر و فرزند شهیدش، محسن پیوست.

در زمانه ما، اکنون امامی دیگر از نسل پیامبر، زنده است و ما در جایگاه دفاع از این امام هستیم.

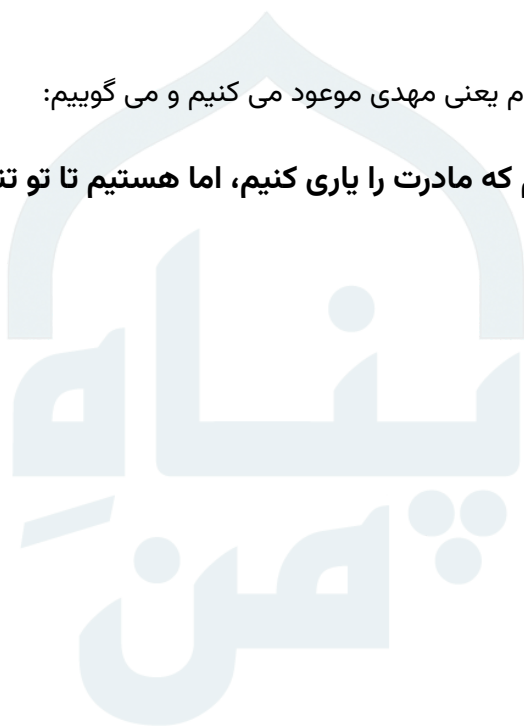
اکنون ماییم که بایست با الگو از مادر، از امام زمان خود، حضرت مهدی، صاحب الزمان (عج) پشتیبانی کنیم.

اگر می‌خواهیم از مادر، درس امام شناسی و دفاع از امام بیاموزیم، ابتدا باید چشم به راه مهدی موعود باشیم، با سلام روزانه و دعا برای سلامتی و تعجیل ظهورش، روزانه پیوند خود را با این امام حفظ کنیم.

باید این امام مظلوم که در پس پرده غیبت را بیشتر و بهتر بشناسیم و برای شناختش مطالعه و تفکر کنیم. آماده یاری او در حالی باشیم. بدانیم که گرفتاری های شیعیانش در این روزگار، از اصلی ترین دغدغه های اوست. به فکر دستگیری و کمک به هم نوعان و به ویژه شیعیان او باشیم. تا شاید هم او و هم مادر مظلومش نظری از روی مهر بر ما کنند.

با تمامی جان رو به آن امام مظلوم یعنی مهدی موعود می کنیم و می گوییم:

"ما نبودیم که مادرت را یاری کنیم، اما هستیم تا تو تنها نمانی."



MY PANAAH

منابع و مآخذ:

- [1] طوسی، مصباح المتهجد، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۹۳؛ طبری امامی، دلائل الامامة، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۴. (شهادت در ۳ جمادی‌الثانی سال ۱۱ هجری، حدود ۹۵ روز پس از رحلت پیامبر.)
- [2] مفید، مسارالشیعه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴؛ طوسی، مصباح المتهجد، ۱۴۱۱ق، ص ۷۹۳. (تولد در ۲۰ جمادی‌الثانی سال ۵ بعثت.)
- [3] قرآن کریم، سوره کوثر (۱۰۸)؛ طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ فخر الرازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۳۱۳. (کوثر به معنی خیر کثیر است که در سوره کوثر خطاب به پیامبر می فرماید که ما به تو خیر کثیر عطا کردیم.)
- [4] احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۵؛ بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۸۳؛ مفید، الامالی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۰. (حدیث بضعه: فاطمه پاره تن من است.)
- [5] ادامه همان حدیث بضعه؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۴؛ طوسی، الامالی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴.
- [6] حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۶. (رضایت خدا در رضایت فاطمه و غضب در غضب او.)
- [7] مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۵؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۱. (فرزندان: حسن، حسین، زینب، ام‌کلثوم، محسن؛ ادامه امامت و حماسه کربلا از طریق حسین.)

[8] صدوق، الامالی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۸۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۲.

سخن عایشه همسر پیامبر (ص): "ما رأيتُ أحداً كانَ أصدقَ لهجةً من فاطمةَ غیرِ أبيها". (هیچ کس را راستگوتر از فاطمه، جز پدرش پیامبر، ندیدم). حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۶

[9] بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۸۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

سخن حکم بن عیینه (از علمای کوفه در دوران اموی): "ما رأيتُ أحداً كانَ أشبهَ خلقاً وَ هذباً وَ سَمْتاً بِرَسُولِ اللَّهِ مِنْ فاطمةَ". (کسی را ندیدم که در اخلاق و رفتار و وقار، شبیه تر به پیامبر از فاطمه باشد). ترمذی، السنن، ج ۵، ص ۶۶۶

سخن ابن عباس: "كانت فاطمةُ أذكى النَّاسِ وَ أَفْضَلَهُمْ وَ أَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ". (فاطمه از همه باهوش تر، برتر و نزدیک تر به پیامبر بود). ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۶

[10] قرآن کریم، آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۹؛ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۲.

سخن ام سلمه: "أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ دَعَا فَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، فَجَلَّلَهُمْ بِكِسَاءٍ، وَعَلِيٌّ خَلَفَ ظَهْرَهُ، فَجَلَّلَهُ بِكِسَاءٍ، ثُمَّ قَالَ: <<اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً>> (پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه، حسن و حسین را فراخواند، و آنها را با عبایی پوشاند، سپس علی علیه السلام پشت سر خود قرار گرفت و او را نیز با همان عبا پوشاند، و سپس فرمود: «خداوندا، اینان اهل بیت من هستند، پس هرگونه پلیدی را از ایشان دور ساز و آنان را به پاکیزگی کامل پاک گردان.») صحیح مسلم کتاب: فضائل الصحابة باب: فضائل أهل بيت النبي ﷺ، رقم الحديث: 2424 چاپ: دار إحياء التراث العربي، بيروت ج 7، ص 130

[11] صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۱۸۲؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۱۶-۱۱۷.

سخن مروان بن حکم: "فاطمةُ كانت أبرَّ النَّاسِ بأبيها، وَ أَرْهَدَهُمْ فِي الدُّنْيَا". (فاطمه نیکوکارترین فرد نسبت به پدرش و زاهدترین انسان نسبت به دنیا بود). ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۵، ص ۲۸۶

[12] احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۸۰؛ بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۸۳.

سخن معاویه بن ابی‌سفیان: "وَاللّٰهُ مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَفْضَلُ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ." (به خدا سوگند در این امت کسی برتر از فاطمه دختر پیامبر نبود.) ابن‌عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۴

[13] طبری، دلائل الامامة، ص ۸۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

سخن عبدالله بن زبیر: "فَاطِمَةُ أَزْكَى النَّاسِ نَفْسًا وَ أَكْرَمُهُمْ أَبًا وَ أُمًّا." (فاطمه پاکیزه‌ترین مردم از نظر نفس و گرامی‌ترین از جهت پدر و مادر است.) ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷

[14] میرجهانی، جنة العاصمة، ص 284؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۶. (حدیث لولاک، مرتبط با خلقت عوالم.)

[15] قرآن کریم، آیه مودت (شوری: ۲۳)؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۳؛ زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۲۱۹. (بگو من برای اجر و مزد رسالتم چیزی از شما طلب نمی‌کنم مگر مودت اهل بیتم.)

[16] دلائل الإمامة محمد بن جریر طبری آملی (۳۵۲ق)، ص ۱۳۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۳. (به صورت فاطمه سیلی زد تا گوشواره‌اش افتاد.)

[17] طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۱۳۴؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۰۶؛ ابن قتیبه دینوری، الامامة و السیاسة ج 1 ص 12. (آتش زدن درب خانه.)

MY PANAAH

[18] کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص 142؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج 1، ص 57؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج 1، ص 139 رقم 552. (شهادت محسن بر اثر جراحات.)

[19] طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۱۳۴؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۱. (شکستن پهلوی توسط قنفذ.)

[20] کلینی، الکافی، ج 1، ص 458؛ طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 300، ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغة، ج 14، ص 193. (فاطمه را زدند تا جنینش را سقط کرد؛ و او به سبب این آسیب بیمار شد تا از دنیا رفت).

[21] احمد بن حنبل، مسند، ج 4، ص 281؛ طوسی، الامالی، ص 43. (متن کامل خطابه غدیر به همراه اسناد آن در کتابی با همین عنوان چاپ شده موجود است).

[22] بخاری، صحیح البخاری، ج 5، ص 82؛ ابن قتیبه دینوری، الامامة والسياسة، ج 1، ص 31. (حادثه قلم و دوات).

# مکان / واقعه	متن عربی (شیعی)	ترجمه فارسی	منبع شیعی	صفحه / حدیث
۱ غدیر خم	«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ مَوْلَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ»	هرکس من مولای اویم، علی مولای اوست. خدایا دوست بدار دوستش را و دشمن بدار دشمنش را	الکافی (کلینی)	ج 1، ص 294
۲ غدیر خم - ۷۰ صحابه	«أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَصِيَّيَّ وَخَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي»	شهادت می‌دهم که علی وصی و خلیفه من پس از من است	بحارالانوار	ج 37، ص 208
۳ دارالندوة (مکه)	«هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ»	این برادر، وصی، وزیر و خلیفه من در میان شماست	إعلام الوری (طبرسی)	ج 1، ص 312
۴ جنگ تبوک	«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ	تو برای من مثل هارون برای موسی هستی... و	الغدیر (علامه امینی)	ج 1، ص 170

		وَصِي وَ خَلِيفَه مِنْ بَرِ أَهْلِ بَيْتِمْ هَسْتِي	بَعْدِي، وَأَنْتَ وَصِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي		
ج ۱، ص ۲۹۵	نهج البلاغه (خطبه ۱۲۰) + الكافي	من در میان شما دو چیز سنگین می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم... و اولین آن‌ها علی است	«أَلَا إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعُتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي... وَإِنَّ أَوَّلَهُمْ عَلِيٌّ»	۵ آخرین خطبه (مدینه)	

[23] حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴؛ مفید، الامالی، ص ۲۶۰. (روایات متعدد جانشینی علی مانند یوم الدار، منزلت.)

[24] ابن قتیبه دینوری، الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۳۱؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۵. (سقیفه بنی ساعده.)

[25] بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۴. (بیعت اجباری از مردم.)

[26] بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۴؛ ابن قتیبه، الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۳۱. (تطمیع عباس.)

[27] مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸. (تشییع توسط علی و یاران.)

[28] مفید، المقنعة، ص ۲۸۹؛ سید مرتضی، الشافی فی الامامة، ج ۴، ص ۱۰۱. (تحصن در خانه فاطمه.)

[29] کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰؛ طوسی، الامالی، ص ۵۲۸. (جمع آوری قرآن توسط علی.)

[30] مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۱۳۱. (عدم شرکت در نماز جمعه ابوبکر.)

[31] بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۴۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۴. (حدیث جعلی ارث پیامبران و غصب اموال).

[32] طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ سید مرتضی، الشافی، ج ۴، ص ۹۵. (خطبه‌های فاطمه در دفاع).

[33] بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۹؛ جوهری بصری، السقیفة و فدک، ص ۱۰۹. (غصب فدک).

[34] یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۳. (هدیه فدک توسط پیامبر).

[35] طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۴. (خطبه فدکیه).

[36] قرآن کریم، آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۸۴؛ سندی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸. (طهارت اهل بیت).

[37] مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۹. (درخواست شاهد برای فدک).

[38] صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲. (مهریه فاطمه در روایات قدسی، شامل آب‌ها).

[39] یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۵. (فدک سال‌ها در اختیار فاطمه).

[40] طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲. (گرفتن سند اما پاره شدن آن).

[41] طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۱۳۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۳. (حادثه کوچه و پاره کردن سند، کنده شدن گوشواره).

[42] مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲-۱۹۹؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۰۰. (رفتن شبانه به خانه‌ها برای یادآوری غدیر).

[43] ابن ابی‌شیبه، المصنف، ج ۸، ص ۵۷۲؛ طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۱۳۴؛ ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه ج ۱ ص ۱۲. (حتی اگر فاطمه باشد، آتش می‌زنم).

[44] طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۱۳۴؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۰۶. (افتادن پشت در و مجروح شدن).

[45] کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲. (بستن دستان علی و بردن به مسجد).

[46] طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۱۳۴؛ ابن شهرآشوب، مناقب، ج ۳، ص ۱۳۱. (گرفتن ریسمان توسط فاطمه و ضربه تازیانه).

[47] مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۹. (قصد نفرین اما تبعیت از علی).

[48] مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۲؛ ابن شهرآشوب، مناقب، ج ۳، ص ۱۳۷. (گریه زیر نخل و سوزاندن آن توسط مخالفان).



MY PANA AH

گروه فرهنگی، مذهبی پناه من

<http://www.mypanaah.ir>

اینستاگرام

<https://www.instagram.com/panaah.media/>

MY PANA AH